

IRAN-IRAQ WAR IN THE AIR 1980-1988

Tom Cooper & Farzad Bishop

جنگ ایران و عراق در آسمان ۱۹۸۰-۱۹۸۸

نویسندگان

تام کوپر و فرزاد بیشاپ

مترجم

امیر همایونی

IRAN-IRAQ WAR IN THE AIR 1980-1988

جنگ ایران و عراق در آسمان ۱۹۸۰-۱۹۸۸

نویسنده: تام کوپر، فرزاد بیشاپ
صفحه آرا: امیر همایونی
ویراستار ادبی: یوسف خوش نظر
اصفهان، خیابان محتشم کاشانی، کوچه سیروس جنوبی، کوچه امید، پلاک ۲۴۳ کد پستی: ۸۱۷۵۹۶۴۸۱۴
تلفن: ۰۹۱۳۷۴۳۶۸۲۸ پست الکترونیک: amir_homayoni@yahoo.com
مترجم: امیر همایونی
طراح جلد: (امیر) حسین یآوری
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۶۱۰۹-۶
لیتوگرافی و چاپ: چاپخانه حافظ، اصفهان
همه حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای مترجم محفوظ است.
تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بد
دریافت مجوز کتبی و قبلی از مترجم ممنوع است.
این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

سرشناسه	:	کوپر، تام، ۱۹۷۰ م Tom Cooper
عنوان و نام پدیدآور	:	جنگ ایران و عراق در آسمان ۱۹۸۰-۱۹۸۸ / نویسندگان تام کوپر و فرزاد بیشاپ؛ مترجم امیر همایونی؛ ویراستار ادبی یوسف خوش نظر.
مشخصات نشر	:	اصفهان: امیر همایونی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۴۲۸ ص: مصور.
شابک	:	۶۰۰۹۷۸-۰۴-۶۱۰۹-۶
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	عنوان اصلی: Iran-Iraq War in the Air, 1980-1988, c2000
یادداشت	:	نمایه.
موضوع	:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- عملیات هوایی
موضوع	:	Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Aerial Operations
شناسه افزوده	:	بیشاپ، فرزاد
شناسه افزوده	:	Bishop, Farzad
شناسه افزوده	:	همایونی، امیر، ۱۳۶۰، مترجم.
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۵ ج ۹/ک ۸۷/۶ DSR ۱۶۰۶
رده بندی دیویی	:	۹۵۵/۸۴۳۰۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۴۲۵۲۵۴

فهرست مطالب

۱	یادداشت نویسندگان بر نسخه فارسی
۵	یادداشت مترجم
۷	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۱۵	فصل ۱: دو نیروی هوایی نوظهور
۳۷	فصل ۲: عقاب‌های شاه
۸۵	فصل ۳: شاهین‌های صدام
۱۰۹	فصل ۴: اولین جنگ خلیج فارس، مرحله‌ی اول: یک روز سربازی: بگ
۱۳۳	فصل ۵: مرحله‌ی دوم: سرنیزه عراق درون خاک ایران
۱۶۳	فصل ۶: مرحله‌ی سوم: ضدحملات ایران
۲۰۱	فصل ۷: مرحله‌ی چهارم: ورود به عراق
۲۳۵	فصل ۸: مرحله‌ی پنجم: جنگ تمام عیار
۲۷۷	فصل ۹: مرحله‌ی ششم: پیروزی نهایی
۳۰۷	فصل ۱۰: مرحله‌ی هفتم: تبادل ضربات سخت
۳۳۹	فصل ۱۱: مرحله‌ی هشتم: آشوب در خلیج
۳۷۳	فصل ۱۲: مرحله‌ی نهم: آخرین نبرد هوایی
۴۰۵	جمع بندی نهایی
۴۲۳	نمایه‌ها

تقریباً بیست سال پیش، دو تحلیل‌گر و تاریخ‌نگار جوان و با انگیزه‌ی هوانوردی نظامی به یکدیگر پیوستند تا کتابی راجع به جنگ هوایی بین ایران و عراق به رشته تحریر درآورند. هر یک از این دو، موضوع را از مدت‌ها قبل یعنی در حقیقت از بدو شروع جنگ و زمانی که نوجوان بودند، تعقیب کرده بودند. یکی از انگیزه‌های اصلی این کار درک کلی در مورد این نبرد هوایی بود. رسانه‌ها در دهه ۱۹۸۰ مرتباً راجع به جنگ بین ایران و عراق گزارش می‌دادند، اما وقتی کار به جنگ هوایی می‌رسید بیشتر گزارشگران جواری رفتار می‌کردند که گویی چنین چیزی وجود خارجی نداشته است. با این وجود با بررسی تمام گزارش‌هایی که به نوعی به جنگ هوایی اشاره کرده بودند و به مرور زمان جمع‌آوری شدند، دو محقق به این نتیجه رسیدند که می‌بایست نبرد هوایی گسترده و سهمگینی رخ داده باشد.

به عبارت دیگر، با وجود آنکه رسانه‌های ایرانی و عراقی به طور منظم در مورد عملیات‌های نیروی هوایی متخاصمان گزارش می‌دادند، معلوم شد فقط جمع‌آوری آنها کار بسیار زرگی است و متأسفانه بخش زیادی از این گزارشات برای همیشه از بین رفته است. در حقیقت، این گزارشات بیرون از این دو کشور تقریباً به طور کامل به بی‌توجهی می‌قرار گرفتند و یا کوچک شمرده شدند. در حقیقت بیشتر گزارش‌های رسانه‌های غربی در مورد نیروهای هوایی ایران و عراق در دهه‌ی ۸۰ با عنوان «نظیر غیرعملیاتی»، «شکست» و حتی «ناکارآمدی» همراه هستند. به عنوان مثال، واقعیت عموماً پذیرفته شده در مورد نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران این است که این نیرو غیرعملیاتی بوده، خلبانان بسیار کمی داشتند و در بهترین حالت بعد از انقلاب اسلامی تعداد کمی هواپیمای عملیاتی در اختیار داشته است. یک برداشت نادرست اما رایج دیگر در رسانه‌های غربی این بود که تمامی رهگیرهای اف-۱۴ تامکت ایران غیرعملیاتی بودند و قبل از اینکه آمریکایی‌ها مجبور به ترک ایران شوند موشک‌های هوا به هوا معروف آنها یعنی فونیکس‌ها توسط عوامل سیا دستکاری و خراب شدند. همچنین تصور بر این بوده که تجربیات حاصل از آموزش خلبانان ایرانی در ایالات متحده در طول دهه‌ی ۱۹۷۰ کارایی لازم را به همراه نداشته است. از این قسم افسانه‌ها پیرامون نیروی هوایی عراق هم زیاد وجود داشت. فقط این حقیقت که نیروی هوایی عراق یک نیروی هوایی عربی بوده است برای ناظران غربی کافی بود که فکر کنند عملاً چیز مهمی برای گزارش در مورد آن وجود ندارد و نمی‌توان آن را یک نیروی نظامی منسجم و حرفه‌ای به حساب آورد (جالب آنکه دقیقاً چنین عباراتی توسط یکی از ناشران آمریکایی که کتاب در ابتدا برای چاپ به او ارائه شد، به کار رفت).

ما اگرچه جوان و بی تجربه بودیم، اما داده‌هایی داشتیم و به این راحتی‌ها با گزارش‌های موجود قانع نمی‌شدیم. به نظر ما عملاً غیر ممکن بود که هر دو کشور ایران و عراق سرمایه‌گذاری سنگینی بر روی توسعه نیروی هوایی‌شان و تربیت هزاران خلبان، افسر و خدمه‌ی زمینی بکنند؛ صدها هواپیما، جنگ‌افزار و تجهیزات زمینی از خارج بخرند و بعد زمانی که

آینده‌شان تا حد زیادی در خطر قرار می‌گیرد، به طور کامل از بهره‌برداری از این سرمایه‌گذاری ناتوان باشند.

به همین خاطر کار بر روی کتاب آغاز شد و سرانجام در سال ۲۰۰۲ تحت عنوان «جنگ ایران و عراق در آسمان: ۸۸-۱۹۸۰» در ایالات متحده به چاپ رسید. در مرحله‌ی نهایی تحقیقات برای نوشتن این کتاب، اینترنت به‌طور گسترده در اختیار همگان قرار گرفت و ما توانستیم به بسیاری از شرکت‌کنندگان در این درگیری دسترسی پیدا کرده و با آنها مصاحبه کنیم و گزارش‌های تکمیلی و حتی برخی مدارک رسمی را جمع‌آوری کنیم. نتایج حاصله به طور کامل انتظارات ما را تأیید می‌کردند: نبرد هوایی بین ایران و عراق نه تنها شدید بلکه به واقع نبرد پیشرفته‌ای بوده که دو نیروی هوایی مجهز و تعلیم دیده را به مصاف یکدیگر کشاند. قطعاً محدودیت‌هایی در ارتباط با دستورات صادره از سوی مقامات سیاسی؛ محدودیت‌هایی در ارتباط با شیوه نگاه به مباحث راهبردی و تاکتیک‌ها؛ و محدودیت‌هایی در رابطه با توانایی‌های آنها وجود داشته‌اند، اما آنها بی‌رحمانه و تلخ به مدت هشت سال تمام در آسمان جنگیدند.

بررسی‌های بیشتر مشخص کردند که جنگ هوایی بین ایران و عراق از لحاظ بعد زمانی با جنگ ویتنام قابل مقایسه است. یقیناً دو نیروی هوایی به اندازه آمریکایی‌ها بر فراز ویتنام پرواز نکردند، اما تعداد پیروزی‌های هوایی به‌دست آمده در نبردهای هوایی تقریباً با نبردهای هوایی بر فراز ویتنام شمالی قابل مقایسه است. به علاوه، هوانیروز ایران تقریباً یک میلیون پرواز رزمی انجام داد که تقریباً برابر با تعداد پروازهای رزمی هلیکوپترهای ارتش ایالات متحده بر فراز ویتنام جنوبی است.

در میان جزئیات دیگری که در حین کار بر روی این کتاب روشن شد، این حقیقت خنده‌نمایی می‌کرد که ناوگان اف-۱۴ تامکت‌های نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران نه تنها عملیاتی بود، بلکه اولین پیروزی هوایی این نوع هواپیما در هشتاد و پنج و اولین پیروزی با استفاده از موشک فونیکس را رقم زد. در حقیقت مشخص شد که نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران تنها نیروی هوایی در جهان است که خدمه آن مدعی سرنگونی سه هواپیما با یک موشک هستند.

عراقی‌ها هم قهرمانان خود را داشتند. یکی از خلبانان جوان آنها بعد از اینکه موشکش به خطا رفت، میگ-۲۱ خود را به اف-۱۵های راهی بمباران تأسیسات نفتی عراق کوبید. جوان دیگری اولین شکار تأیید شده‌ی اف-۱۴ تامکت را درحالیکه با میگ-۲۳ پرواز می‌کرد، به نام خود به ثبت رساند و اگر خلبانانی باشند که حقیقتاً تجربه پرواز رزمی با سرعت ۳ ماخ درون میگ-۲۵ را داشته باشند، این همانا خلبانان عراقی هستند.

بنابراین اولین نتیجه‌گیری این کتاب این بود که هیچ کس نباید توانایی‌ها، تلاش‌ها و حتی فداکارهای نیروهای هوایی ایران و عراق را در طول جنگ دست کم بگیرد.

کتابی که در سال ۲۰۰۲ به چاپ رسید با کتابی کامل و بی‌نقص فاصله‌ی زیادی داشت، چراکه این جنگ بسیار طولانی و پیچیده بود که

حتی یک گروه از نویسندگان هم نمی‌توانند در صد کتاب آن را به طور شایسته توضیح دهند. بنابراین نه تنها ما، بلکه چندین پژوهشگر دیگر به تحقیق و چاپ مطالب در مورد نبرد هوایی بین ایران و عراق ادامه داده‌اند. در واقع می‌توان گفت کتاب ما جرقه‌ای شد برای کتاب‌های بعدی که هرکدام جزئیات بیشتری از این نبرد را روشن کردند.

یک نتیجه غیر منتظره‌ی دیگر چاپ کتاب، استقبال گرم از آن در میان مردم ایران بود که هر دوی ما را شرمند کرد. به عنوان مثال نمی‌توانیم والدینی را فراموش کنیم که با نگارش نامه الکترونیکی مراتب قدردانی خود را به ما ابراز کردند و عنوان داشتند که کتاب ما فرزندان کنجکاو آنها را به فراگیری زبان انگلیسی واداشته است. ما هیچگاه نامه‌های شرکت‌کنندگان در این جنگ را فراموش نخواهیم کرد. در آن نامه‌ها از ما به خاطر فراموش نکردن شان قدردانی شده بود و پیشنهاد کمک تحقیقاتی و اطلاعات تکمیلی داده می‌شد. این تجربیات عمیقاً تأثیرگذار هستند، اما درس‌هایی نیز درون آنها نهفته است: نتیجه کار سخت و طولانی ما بی‌نقص نبود، اما برای علاقمندان مفید فایده افتاد.

به همین خاطر با خوشحالی شگفت زده شدیم که مترجم و مؤلف نسخه‌ی فارسی کتابمان، آقای امیر همایونی، به دنبال نسخه‌ی بری تماس با ما بود تا برای ترجمه‌ی خود اجازه رسمی دریافت دارد. برای ما جای بسی شگفتی است که کتابمان همچنان بعد از این همه سال تا این حد مورد توجه است.

آقای همایونی نه تنها کتاب ما را واژه به واژه ترجمه کرده است، بلکه پا را یک قدم فراتر نهاده و با تنی چند از خلبانان بازنشسته مصاحبه و اطلاعات تکمیلی جمع‌آوری کرده است. بدین ترتیب کوشش او باعث به‌روزرسانی‌های متعدد و تصحیحات فروانی شده که در مجموع ارزش کتاب اولیه را بالا برده است. به‌سختی می‌توان راهی برای ابراز تشکر از آنچه او در این زمینه انجام داده یافت.

ما امیدواریم که این نسخه‌ی به‌روزرسانی شده فارسی کتاب «جنگ ایران و عراق در آسمان، ۸۸-۱۹۸۰» افزوده‌ای باشد بر منابع موجود در کتابخانه‌های خصوصی و عمومی داخل و خارج ایران و همچنین عامل محرکی برای کارهای تحقیقاتی بیشتر.

تام کوپر و فرزاد بیشاپ

ژوئن ۲۰۱۶

جنگ یکی از زشت‌ترین پدیده‌های ابداع شده توسط بشر است، پدیده‌ای که اثرات ویرانگرش از محدوده‌ی زمان، منطقه و حتی نسل‌ها فراتر می‌رود و درد و رنج می‌آفریند. اما این رویداد زشت و خونبار هنگامی که نام دفاع و به‌ویژه دفاع از میهن به خود می‌گیرد به ناگاه رنگ و بویی تازه می‌یابد و آنچنان جوش و خروشی پدید می‌آورد که انسان‌های عادی دیروز را به حماسه‌سازان امروز بدل می‌کند. این روند گاهی حتی تا چند نسل ادامه می‌یابد و بر آیندگان اثر می‌گذارد.

جنگ ایران و عراق به‌عنوان آخرین جنگ فرسایشی قرن بیستم، از این قواعد مستثنی نیست. جنگی که هنوز می‌توان زخم‌هایش را بر تن مردمان و شهرهای طرفین درگیر دید. این جنگ با وجود همه‌ی هیاهوی تبلیغاتی که در هر دو طرف به همراه داشت همچنان تا حد قابل توجهی ناشناخته است و حتی حجم گسترده‌ای از کتاب‌های چاپ شده در ایران به‌خصوص در سال‌های اخیر باز هم ناکافی می‌نماید. وانگهی بیشتر مطالب چاپ شده در قالب خاطره‌نگاری هستند و هرچند ارزشمند ولی فاقد نگاه تاریخی-تحلیلی می‌باشند. در زمینه نبرد هوایی سدان اندک مطالب هم به‌سختی گیر می‌آید و اگر در سال‌های اخیر هم عزیزی نظیر امیر سرتیپ خلبان دکتر احمد مهرنیا و حجت شاه‌محمدی شیرازی، همین اندک را هم نداشتیم. البته خبر خوش در این زمینه آن است که در این سال‌ها نگاه پژوهشی و تاریخی به جنگ پا گرفته و باعث شده تا با نگاه «مندان» بتوانیم از گنج جنگ که تا به حال آثار معنوی فراوانی برای ما داشته، استفاده و تکیه تاکتیکی و راهبردی کنیم و درس‌های حاصل از آن را در دفاع از کشورمان به کار بندیم.

در رابطه با پیشبرد جنگ از سمت عراق و اتفاقات رخ داده در آن سوی جبهه همان اطلاعات کم و بیش مبهم هم موجود نیست و دست کم برای خوانندگان عادی هیچگونه اطلاعاتی راجع به نیروی هوایی عراق، تاکتیک‌ها و راهبردهایش در اختیار نیست و همین امر نقیصه بزرگی در امر تحلیل جامع و کامل جنگ هوایی بین ایران و عراق می‌باشد.

با توجه به مطالب برشمرده شده در بالا و همچنین علاقه دراز مدت خودم به تاریخ نبردهای هوایی در جنگ ایران و عراق بر آن شدم تا کتاب جنگ ایران و عراق در آسمان ۱۹۸۸-۱۹۸۰ را به فارسی برگردانم تا شاید نور کوچکی بر این رویداد مهم تاریخ معاصر ایران تابانده شود. نویسندگان هر دو از تحلیلگران خوب تاریخ هوانوردی هستند و نگاهی خاص و علمی دارند، اما این امر دلیل بر آن نیست که باور کنیم از اشتباه، برداشت نادرست و نگاه یکجانبه بری باشند. در عین حال همیشه نوعی دلخوری شخصی در من بوده و هست که چرا تاریخ ما عمدتاً توسط خارجی‌ها نگاشته شده و خودمان در این زمینه تا حد زیادی منفعل هستیم. به همین خاطر در تمام طول کتاب کوشیده‌ام با افزودن پاورقی‌هایی به متن، تا جای ممکن مطالب را با استفاده از منابع معتبر و راهنمایی شاهدان، روشن یا تصحیح کنم. اما باز هم نمی‌توانم بگویم کتابی درباره‌ی چنین موضوع گسترده و پیچیده‌ای،

کامل و بی‌نقص است.

برای تهیه‌ی کتابی که در دست دارید، افراد زیادی مرا یاری کرده‌اند که لازم می‌دانم در همین مقال از آنها قدردانی و سپاسگزاری کنم. اصل کتاب به لطف شهید اسماعیلی و همت مجید همایونی به دستم رسید. دوست خوبم حامد مرادی که خود منظومه‌ای است از اطلاعات ناب، مشوق اصلی در این راه دشوار بود و همراه با دیگر دوستان در حمایت معنوی از این اثر نقش بسزایی داشت. تمام متن را دوست دانشمند و فرهیخته‌ام یوسف خوش‌نظر به طور کامل و با دقتی بی‌نظیر خوانده و ویراستاری کرده است. جناب آقای حسین عسگری هم نقش بسزایی در کار صفحه‌آرایی کتاب داشتند و بی‌شک بدون کمک ایشان کار هرگز بدین شکل در اختیار خوانندگان قرار نمی‌گرفت. تصاویر کتاب را هم مهشاد ایزری با صبر و حوصله اسکن کرده و در اختیار من قرار داد. نویسندگان کتاب هم در کمال سخاوت حق انتشار این کتاب به زبان فارسی را بدون هیچ چشم‌داشتی به اینجانب اعطا کردند. از همگی این عزیزان سپاسگزارم.

برخی از بزرگان را باید در بخش جداگانه‌ای نام ببرم و از ایشان تشکر کنم، اینان قهرمانان دیروز و امروز و فردای وطن و کارکنان سابق یگان‌های پروازی هستند که با خواندن متن و دادن نظرات دقیق و همچنین با مواجه با سؤالات عجیب و گاه بی‌موقع من با نهایت صبر پاسخگو بودند و نقش مهمی در بالا بردن کیفیت اطلاعات ارائه شده دارند. بزرگانی چون امیر سرتیپ خلبان پرویز مرادی، امیر سرتیپ خلبان دکتر احمد مهرنیا، فرهنگ خلبان فریدون علی‌مازندرانی، دست این بزرگواران را به خاطر همه‌ی رشادت‌هایشان و همه لطف و محبت‌شان می‌بوسم و آرزوی طول عمر برای ایشان دارم.

در نهایت معترفم که این کار نیز همانند دیگر کارهای انسانی عاری از لغزش و خطا نیست و از همه‌ی عزیزانی که این کتاب را مطالعه می‌کنند تقاضا دارم نسبت به من بیخشنود و دوم نظرات و انتقادهای خود را بدون هرگونه ملاحظه‌ی به آدرس پست الکترونیکی اینجانب ارسال کنند تا به یاری خدا در چاپ‌های بعدی اصلاح گردند.

امیر همایونی

اصفهان، تابستان ۱۳۹۶

ارزیابی یا حتی بیان دقیق توان هوایی، یکی از مشکل‌ترین امور در میان تمامی قوای نظامی است.

- وینستون چرچیل

در بعدازظهر ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹)، جهان از شنیدن خبر حمله‌ی هوایی غافلگیرانه و گسترده‌ی عراق علیه هفته‌ی پایگاه نظامی و تأسیسات غیر نظامی ایران، در بهت فرو رفت. این حملات سرآغاز تهاجم عراق به ایران و جنگی خونین و بی‌معنا بود؛ جنگی که هشت سال به طول انجامید و به قیمت جان صدها هزار انسان و از بین رفتن اقتصاد و تأسیسات زیربنایی هر دو کشور تمام شد. گرچه ربه‌های این درگیری را می‌توان و باید در شرایط پیچیده‌ی سیاسی زمانی جدوجو و ردیابی کرد، اما هیچ تلاش سیاسی مشخصی برای خنثی کردن وضعیت خطرناک پیش رو به انجام نرسید. به نظر می‌رسید که تمام قطعات پازل به تدریج برای راه‌اندازی و پشتیبانی از یک جنگ فرسایشی در کنار یکدیگر قرار گرفته بودند. انقلاب اسلامی موقعیت ایران را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ستون‌های ایالات متحده در منطقه، نادیده گرفته و به کناری نهاده بود و حتی بدتر از آن، با بستن سفارت آمریکا توسط جناح تندرو ضدغربی به گروگان گرفته شده بود. تا این گروه بتواند دست بالا را در منازعه‌ی قدرت در جریان داخل کشور به‌دست آورد. از سوی دیگر دیکتاتوری خونخوار و غیرقابل پیش‌بینی در کشوری عربی و سرشار از نفت که به آفت تنوعات دینی و قومی دچار بود، حکم می‌راند. به علاوه دو کشور همسایه که روز به روز ناپایدارتر می‌شدند، ذخایر عظیمی از سلاح‌های پیشرفته داشتند که خطری بالقوه برای منافع طولانی مدت غرب در خاورمیانه به حساب می‌آمدند. آلن کلارک، وزیر دفاع بریتانیا بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ مدت‌ها بعد اعتراف کرد: «منافع غرب، چنانچه ایران و عراق با هم می‌جنگیدند به بهترین نحو تأمین می‌شد و هرچه طولانی‌تر، بهتر».

در این جنگ برخی از مجهزترین و تعلیم دیده‌ترین نیروهای هوایی به تعبیری جهان سوم، شرکت داشتند. گرچه نیروهای هوایی ایران و عراق به شدت و به تلخی در این طولانی‌ترین نبرد کلاسیک قرن بیستم با یکدیگر جنگیدند، اما عملیات‌های آنها کماکان ناشناخته‌ترین عملیات‌های هوایی هستند و بسیار بد مورد بررسی قرار گرفته‌اند. علل این بی‌توجهی بسیارند: برخلاف بسیاری از درگیری‌های رخ داده بین ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰، این جنگ منجر به خط‌کشی مشخص بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی نگردید (وانگهی هر دو ابرقدرت طرفدار یکی از طرفین درگیر بودند)؛ و نیز آنکه این جنگ مانند دیگر درگیری‌های خاورمیانه کوتاه و پرتنش نبود. به علاوه این درگیری دراز مدت تنها بر سر قلمرو و سرزمین نبود،

بلکه کشمکش بود مابین ملی‌گرایی سکولار عرب و ایدئولوژی دینی رژیم اسلامی-انقلابی جدید ایران. نتیجه آنکه هدف اصلی هر دو طرف انتقال سیاست‌ها بود، نه استراتژی یا تاکتیک‌های نظامی و به همین دلیل عملیات گسترده و فعال نیروهای هوایی طرفین نادیده گرفته شد یا در زیر پرده‌ی ضخیمی از پنهانکاری و درک ناصحیح سیاسی مخفی گردید. یکی دیگر از دلایل کمبود اطلاعات را می‌توان در خطای محاسباتی فاحش ایالات متحده در رابطه با امکانات، مهارت و توانایی ایرانی‌ها در نگهداری و عملیاتی کردن سیستم‌های تسلیحاتی پیشرفته‌ی آمریکایی بعد از وقوع انقلاب اسلامی و خروج مستشاران آن کشور، جست‌وجو کرد. در حقیقت ایالات متحده چنین تصور کرده بود که این مستشاران، بعد از درخواست دوباره‌ی دولت، به ایران باز خواهند گشت. امری که در دنیای واقعی هرگز به حقیقت نپیوست. اگرچه از پذیرش این خطا، غرب را مجبور به نادیده انگاشتن نیروهای نظامی ایران به‌ویژه نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران ساخت که همچنان به ایفای نقش ماهرانه و کارآمد خود به عنوان یک نیروی توانا و مستعد ادامه می‌داد. اتحاد جماهیر شوروی کم و بیش در تمام طول مدت جنگ به طور رسمی از عراق حمایت می‌کرد، اما این همکاری همواره تحت تأثیر روابط دشوار با ربه‌ی ایران بود. از سوی دیگر، شوروی از این جنگ به عنوان محوطه برای نمایش بسیاری از سلاح‌های جدید خود بهره می‌برد. سلاح‌هایی که بسیاری از رهبران همان هم به درد بخور نبودند. قدرت سوم یعنی فرانسه، در بیشتر مواقع به صورت مخفیانه درگیر جنگ بود، اما به طور گسترده سلاح به عراق تحویل نمی‌داد. به از طریق فرآیند بسیار پیچیده‌ی همکاری بین فرانسه، عراق و هند منتفی می‌گردید.

با توجه به شرایط ذکر شده، هیچ گزارش جامعی درباره‌ی نبرد هوایی در این درگیری نوشته نشده است. از آنجایی که هر دو نویسنده به این برهه‌ی شگرف و از بسیاری جهات منحصر به فرد تاریخ علاقه‌ای وافر دارند، به طور مستقل اقدام به جمع‌آوری اطلاعات منتشر شده و نشده‌ی مربوط به نیروهای هوایی ایران و عراق و حوادث مرتبط با آنها در طول جنگ، کردند. دیگر آنکه، سال‌ها است که با یکدیگر کار کرده‌ایم و توانسته‌ایم برخی از موضوعات لاینحل را با بسیاری از شرکت‌کنندگان مستقیم و غیرمستقیم در این جنگ به بحث و بررسی بگذاریم. بخش عمده‌ای از اطلاعات عمومی این کتاب از آثار مرجع، اعلامیه‌های رسمی و داستان‌های نقل شده توسط روزنامه‌نگاران حاضر در محل، کسب شده است اما قسمت بسیار مهمی از اطلاعات و جزئیات نیز حاصل تجربیات شخصی خلبانان و

کشورشان را با جان پرداختند و سزاوار فراموشی نیستند. علیرغم تلاش برای استانداردسازی نام مکان‌ها با عرف مقبول، مجبور شدیم برای مطابقت دادن ترجمه‌های انگلیسی با نوشتار درست محلی، استثنائات زیادی را مد نظر قرار دهیم، چرا که بی‌توجهی دیگران بهانه‌ی خوبی برای تکرار اشتباهات نیست. بنابراین، نوشتار نام‌ها در این کتاب تا حد ممکن به زبان بومی نزدیک هستند.

افسران ایرانی و عراقی و نیز منابع آمریکایی، عرب، چک، آلمانی، ایرانی، لیبیایی، لهستانی، اسلواکی و یوگوسلاویایی هستند که به طور مستقیم در جنگ دخالت داشته‌اند. مشخص است که برای توصیف وضعیت کلی، نیاز به آثار مرجع معتبر، اعلامیه‌های رسمی و داستان‌های روزنامه‌نگاران بود، با وجود این به دلیل اینکه گزارش‌های مطلقاً غلط بسیاری درباره‌ی این جنگ به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند یا بعدها مشخص شد که بسیاری از تفاسیر اشتباه بوده‌اند، ما تلاش کردیم تا از دیدگاهی متفاوت و کلی نور تازه‌ای بر رخدادهای این جنگ بتابانیم. این البته بدان معنا نیست که تمامی آثار منتشر شده در این زمینه، بی‌ارزش هستند. اما همان اندک آثار را نیز غیرقابل اعتماد یافتیم و بیشتر آنها را به سختی می‌توان سطحی نامید. به عقیده‌ی ما، نبرد هوایی بین ایران و عراق و از آن مهم‌تر توانایی‌های هر دو نیروی هوایی، رگر در آن کاملاً دچار کج‌فهمی شده و از همین رو به صورت نادرست و غلبه‌گزارش گردیده است. در بسیاری از گزارش‌های جنگ اول خلیج فارس، نبرد هوایی تحت‌الشعاع مباحثات سیاسی و مذهبی پیرامون کل رگر گرفته و در مابقی به دلیل کمبود اطلاعات کلا نادیده انگاشته شده است. در حقیقت بدون تلاش برای قضاوت درباره‌ی جنبه‌ی سیاسی این جنگ، مباحثات هوایی بر آسمان ایران، عراق و خلیج فارس تأثیر و اهمیتی بسیار ناچسته نشده داشته‌اند.

این مناقشه‌ی هشت ساله، کاملاً با آنچه پیش‌بینی و وانمود می‌شد متفاوت بود. عمدتاً به این دلیل که عملیات‌های هر دو نیروی هوایی به شدت، تحت تأثیر نیاز به کسب نتایج مهیج سیاسی و در عین حال حفظ اقتدار نظامی بودند. خواننده قطعاً در هنگام خواندن این کتاب متوجه می‌شود که با سیاست‌ها و استراتژی‌ها و رخداد‌های واقعی در طول این جنگ، که به میزان زیادی بر روند نبرد هوایی تأثیر گذاشتند، به صورت مشترک و با جزئیاتی بی‌سابقه، برخورد شده است. نویسندگان تمام کوشش خود را به خرج داده‌اند که هیچ رویداد یا تاکتیکی را مورد اغماض قرار ندهند؛ معیناً جنگ، جنگ است و هنوز رازهای بسیاری پشت دیوارهای بلند مدفون هستند. درحالی‌که تلاش‌هایی برای رخنه به درون این دیوارها و همچنین مطالعه‌ی منابع فرعی صورت گرفته است، اما همچنان رازهای بسیاری وجود دارند که ترجیح داده می‌شود سربه‌مهر بمانند. در نتیجه هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که چنین کاری غایی و بی‌نقص است.

با آنکه نبرد هوایی ایران و عراق کانون بحث این کتاب است، اما تاریخچه‌ی مختصری از نیروی هوایی ایران و عراق از سال ۱۹۲۴ (۱۳۰۳ شمسی) ارائه می‌گردد و توضیح داده می‌شود که چگونه هر دو نیرو شکل گرفتند، به اوج خود رسیدند و در یکی از خونبارترین درگیری‌های قرن گذشته به دست فراموشی سپرده شدند. حرف آخر آنکه، کتاب «جنگ ایران و عراق در آسمان» در عین حال تلاشی جهت حفظ خاطرات و تجربیات سلحشورانی است که بسیاری از آنان هزینه‌ی نهایی دفاع از

بازویی بلند و کم عمق از اقیانوس هند که تا اروند رود امتداد می‌یابد و چاه‌های نفتی را در شمال غرب تا تنگه‌ی راهبردی هرمز در جنوب شرق در بر گرفته و شبه جزیره‌ی عربستان را نیز از بقیه‌ی آسیا مجزا می‌کند، خلیج فارس نامیده می‌شود. خلیج فارس، گرچه در وهله‌ی نخست مسیر تجاری باستانی و به لحاظ راهبردی مهم بین هند و میانرودان است اما در عین حال، سواحل شمالی آن گهواره دو تمدن بزرگ ایران و میانرودان بوده‌اند که به طور غیرمستقیم تبدیل به سه کشور بسیار مهم در دوران معاصر گردیده‌اند. اولین آنها که از لحاظ وسعت در مقام دوم قرار دارد و از لحاظ راهبردی مهم‌ترین کشور حاشیه‌ی خلیج فارس نیز هست اتفاقاً قدیمی‌ترین آنها می‌باشد. این همان کشور ۲۵۰۰ ساله‌ی پرشیا است که امروز ایران نامیده می‌شود. این کشور که تنها ملت غیر عرب‌زبان حاشیه‌ی خلیج فارس در آن سکنی دارد، در پهنه‌ی ۱۶۴۸۰۰۰ کیلومتر^۲ مربعی خویش، مجموعه‌ی شگفت‌آوری از اقالیم، مناسط و مردم را در خود جای داده است. بیشتر ساکنان ایران غیر عرب، ریاپی‌هایی از نژاد هند و اروپایی هستند که هزاران سال پیش از مناطق مرکزی آسیا مهاجرت کرده‌اند. اما در میان آنها عشایر کرد، قفقازی و ازبک هم حضور دارند. امپراطوری کهن ایران برای اولین بار در سال ۵۴۹ پیش از میلاد هخامنشی که مهم‌ترین جاده‌ی تجاری بین هند و میانرودان از این کشور عبور می‌کرد، قدرت رسید. در ۸۰۰ سال پیایند، ایران دوران پیشرفت و رونق را پشت سر می‌گذاشت. تنها مورد آشوب آفرین، حملات گهگاه اعراب بحرینی بود. در قرن سوم میلادی، پادشاه ایران، اردشیر، یکی از این حملات را با سختی بحرین و گماردن پسر خود به عنوان نایب‌السلطنه، پاسخ گفت. این امر، مناقشه‌ای مرزی را به‌وجود آورد که تا دهه‌ی ۱۹۷۰ ادامه یافت. در سال ۶۴۲ میلادی، اعراب قدرت لازم برای شکست امپراطوری ایران را به‌دست آوردند و تهاجم آنان ملتی در حال شکوفایی را به مدت ۹۰۰ سال در جنگ و آشوب فرو برد.

در قرن شانزدهم، بعد از کشمکش‌های طولانی، پادشاهانی جدید، سرزمین‌هایی را که مجموعه‌ای از چندین دولت کم اهمیت خودمختار بودند مجدداً متحد ساخته و نبردی صد ساله برای بازپس‌گیری تنگه‌ی هرمز که از ۱۵۱۵ (۹۲۱ ه.ق؛ ۸۹۴ ه.ش) در اشغال پرتغالی‌ها بود، به‌راه انداختند. در این زمان عراق همچنان استان حد باختری امپراطوری عثمانی محسوب می‌شد اما مناقشات بر سر مرزها و دخالت در امور داخلی در همان زمان هم وجود داشتند. در سال ۱۶۱۸ (۱۰۲۷ ه.ق؛ ۹۹۷ ه.ش) شاه عباس کبیر که عزم کرده بود هرمز را بازپس بگیرد، ابتدا با امپراطوری عثمانی صلح کرد و مناطق وسیعی از ایران را بازگرداند. شاه عباس برای جنگ علیه نیروی دریایی پرتغال از کمک امپراطوری انگلستان بهره برد. اما در ۱۷۲۲ (۱۱۳۴ ه.ق؛ ۱۱۰۱ ه.ش) مهاجمین افغان بار دیگر امپراطوری ایران را نابود کردند و این سرزمین رسماً بین روسیه و عثمانی تقسیم گردید. بحرین به

۱ - طبق جدیدترین برآوردها مساحت ایران ۱۸۷۲۹۵۹ کیلومتر مربع است. مترجم به نقل از همشهری آنلاین، ۱۴ شهریور ۱۳۹۰.

دست سلطان عثمانی افتاد و قشم و بسیاری از جزایر راهبردی دیگر توسط عرب‌های مسقط اشغال گردیدند. سالیان درازی طول کشید تا حکمران بعدی ایران، نادرشاه، به تمام نظارت‌های خارجی بر پادشاهی خود خاتمه داده و سواحل خلیج از جمله بحرین را تحت کنترل خود درآورد. اما این پادشاه دوراندیش پیش از آنکه بسیاری از طرح‌هایش به بار بنشینند، به قتل رسید و ایران مجدداً نیم قرن در جنگ‌های برادرکشی غوطه‌ور شد. در ۱۷۸۳ (۱۱۹۷ ه.ق؛ ۱۱۶۲ ه.ش) بحرین به جنگ اعراب اوتوبی افتاد و خلیج فارس به میوه‌ی رسیده‌ای تبدیل شد تا امپراطوری بریتانیا آن را بیچیند. در شمال، روسیه نیز بیکار ننشسته بود، چراکه آذربایجان هدف نخستین توسعه‌طلبان روس از اوایل قرن نوزدهم میلادی بود. در ۱۸۸۰ (۱۲۹۷ ه.ق؛ ۱۲۵۹ ه.ش) روسیه عملاً شمال ایران را تحت کنترل داشت و ترتیبات جدید کنترل جنوب را در اختیار بریتانیا قرار داد.

در سال ۱۹۰۸ (۱۳۲۶ ه.ق؛ ۱۲۸۷ ه.ش) نفت در جنوب ایران کشف شد و در طول جنگ جهانی اول بریتانیایی‌ها به آرامی دریافتند که برتری آنها در خلیج فارس بستگی به بی‌طرفی ایران دارد. بعد از جنگی تلخ در میانرودان بریتانیایی‌ها کنترل تمامی خلیج فارس را در دست داشتند و احمدشاه، پادشاه ایران، رسماً به ملعبه‌ای تبدیل شده بود. به‌زودی معلوم گردید که بدون داشتن حاکمی مقتدر و ارتشی مدرن، ایران هرگز نخواهد توانست استقلال خود را بازیابد. هر دو اینها خیلی زود بعد از کودتای ۱۹۲۱ (۳ اسفند ۱۲۹۹ شمسی) به رهبری کلنل رضاخان میرپنج گرد هم آمدند. رضاخان که خود را شاه نامید و سلسله‌ی پهلوی را در ۱۹۲۵ (۱۳۰۴ شمسی) تأسیس کرد، از حمایت مجلس، روحانیون و ارتشش برخوردار بود. او به نفع بریتانیا را نادیده گرفت و خود را وقف مدرن‌سازی و آزادسازی کشور خود با استفاده از نمونه‌ی کشورهای غربی کرد.

در ۱۹۱۱ (۱۳۰۱ شمسی) بریتانیا امیر عبدالله را به عنوان حاکم اردن به رسمیت شناخت. او یکی از اعضای بلندپایه‌ی خاندان عرب هاشمی بود که با بریتانیا متحد بودند و اعراب را در شورش علیه حکومت عثمانی در طول جنگ جهانی اول رهبری کرده بود. در سپتامبر همان سال، یک شاخه از خاندان هاشمی، پادشاهی عراق در میانرودان را تأسیس کرد. با این عمل کشور مستقل ایران، دشمن تاریخی عرب خود را به عنوان کشور عراق ملاقات کرد و عداوت‌های کهنه‌ی برجامانده مجدداً از سر گرفته شدند. در ابتدا عراق تحت نفوذ مستقیم بریتانیا بود و آن کشور پایگاه‌های نظامی متعدد و بیش از ۱۳۰۰۰۰ نیروی نظامی در عراق داشت. این نیروها در حال جنگ با جنگجویان قبایل کرد در شمال میانرودان بودند و در آستانه‌ی جنگی با ترک‌های تحت رهبری مصطفی کمال پاشا، یا آتاتورک، قرار داشتند. آتاتورک مخفیانه می‌کوشید تا کنترل کشوری که در انتهای جنگ جهانی اول از عثمانی جدا شده بود را از طریق بهره‌برداری از آشوب‌های محلی، به‌دست گیرد. به هر ترتیب خشونت‌ی حادث نشد و بریتانیایی‌ها، ترک‌ها را قانع کردند که در یک کنفرانس صلح جدید هر آنچه می‌طلبند را به‌دست خواهند آورد. این امر در پیمان لوزان که در ۲۴ جولای ۱۹۲۳

(۱ مرداد ۱۳۰۲) به امضا رسید، محقق گردید. با این حال آن سال شاهد شورش کردها بود که در منطقه‌ی سلیمانیه‌ی شمالی تحت رهبری شیخ محمود دست به حملاتی علیه بریتانیا زدند. در می ۱۹۲۳ (اردیبهشت ۱۳۰۲) مقر وی در یک حمله‌ی مشترک زمینی و هوایی نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا اشغال شد و تا مدتی خبری از او نبود. اما شیخ محمود شورش همچنان تا سال ۱۹۲۷ (۱۳۰۶) جاری در چشم بریتانیا و دولت جدید عراق بود تا آنکه پذیرفت خواست‌های خود را حد یک دولت مستقل کرد تخفیف دهد. مسئله‌ی کردها از آن زمان مشکل مزمن عراق شد و اهمیت کردها بعد از حمله‌ی بریتانیا به بزرگ‌ترین میدان نفتی جهان در نزدیکی کرکوک (در آن زمان)، افزایش یافت.

www.ketab.ir